

Research Article

An Investigation and Critique of Theoretical Foundations of Forqan al-Haq in Contradiction with the Holy Quran

Keyvan Ehsani¹, Vahid Vatankhah^{2*}

Abstract

The Holy Quran is the Book of Revelation and the Miracle of the Last Prophet, has always been under attack for his special plans. The Quran has called on the opposition to bring something like that, if they doubt its divinity. "Farqan al-Haq" is a contemporary example of the claimant's response to this challenge. Which has done in the greatest historical conflict with the Qur'an, by stealing and adapting the text, content and content of the verses, has made 77 sections to reject the teachings of the Qur'an. The present article analyzes and critiques the theoretical foundations of the project designers through an analytical-descriptive method. The authors of the study show that the creators of this book, in the light of Christian theology and compiling a series of skeptics and objections of Jews, Christians, and Orientalists, have constructed sections. And inducing the personalization of Islam, the destruction of the Prophet's personality, Contribution in the validity of the verses of the Qur'an and they have put the defense of Christianity at the heart of their controversy.

Keywords: Challenge, Christian Theology, Historical Conflict, Anis Shurush, Miracle

1. Assistant Professor, Department of Sciences, Quran and Hadith, Arak University, Arak, Iran
2. PhD Student of Quran and Hadith Sciences, Arak University, Arak, Iran

Correspondence Author: Vahid Vatankhah

Email: vnl1351@gmail.com

DOI: [10.30495/QSF.2022.679175](https://doi.org/10.30495/QSF.2022.679175)

Receive Date: 11.08.2020

Accept Date: 22.08.2020

واکاوی مبانی نظری فرقان الحق در معارضه با قرآن کریم

کیوان احسانی^۱، وحید وطن خواه^{۲*}

چکیده

اعجاز و حیانی آخرین پیام آور الهی، به علت ارائه برنامه‌ی تکاملی خاص خود از زمان نزول مورد هجمه‌ی پیوسته‌ی مخالفان قرار داشته است. «فرقان الحق» نمونه‌ی معاصر این هموردنمایی است که در معارضه‌ی تاریخی خود با قرآن، بوسیله‌ی سرقت متن، محتوا و سیاق آیات، به ساخت ۷۷ «سوره وارّه»، با هدف الغاء در قرآن کریم و نفی تعالیم آن اقدام کرده است. نوشتار حاضر با روش تحلیلی-توصیفی و استفاده از منابع کتابخانه‌ای، مبانی نظری طراحان این پروژه را مورد واکاوی و نقد قرار داده است؛ بررسی نویسندگان نشان می‌دهد در این اثر با الهام از الهیات مسیحی، مجموعه‌ای از شبهات و ایرادات اهل کتاب و مستشرقان جمع‌آوری شده و با عنوان قرآن جدید معرفی شده و نویسندگان، القاء شخصی بودن دین اسلام، تخریب شخصیتی پیامبر(ص)، تشکیک در حجیت قرآن و دفاع از مسیحیت را محور معارضه‌ی خود قرار داده‌اند.

واژگان کلیدی: سوره‌های ساختگی، الهیات مسیحی، معارضه‌ی تاریخی، انیس شوروش، شبهه، اعجاز

۱. استادیار گروه علوم و قرآن و حدیث دانشگاه اراک، اراک، ایران

۲. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه اراک، اراک، ایران

ایمیل: vn11351@gmail.com

نویسنده مسئول: وحید وطن خواه

DOI: 10.30495/QSF.2022.679175

مقدمه و بیان مسئله

از ویژگی‌های خاص و منحصر بفرد قرآن کریم که آن را از سایر کتب آسمانی ممتاز می‌سازد، "اعجاز" است، اعجاز قرآن با جاودانگی رسالت پیامبر(ص) پیوستگی عمیق داشته و به علت خصوصیت آن و از نوع کتاب بودنش، می‌تواند به عنوان شاهدهی حاضر بر رسالت ایشان در دوران‌های بعد محسوب گردد.

خداوند در قرآن کریم به جهت اثبات الهی بودن و اعجاز این کتاب آسمانی، تردیدکنندگان را به مبارزه طلبیده و از آنان خواسته است اگر می‌توانند مانند آن را در لفظ و یا معنا بیاورند، این همان مفهوم مشهور "تحدی" است و در این مسیر کار را بر معارضان آسان گرفته و از آوردن یک کتاب، به آوردن ده سوره و سپس یک سوره، تنزل داده است. (الزركشي، ۱۳۷۶، ج ۲: ۹۱)

شواهد تاریخی نشان می‌دهد هم‌اورد نمایی با قرآن از زمان حیات رسول الله(ص) آغاز شده و در دوران‌های بعد نیز ادامه یافته است (الخویی، ۱۴۳۰: ۹۹-۹۴) از این جمله در دهه‌ی اخیر می‌توان به تلاش "انیس شوروش"، کشیش فلسطینی-آمریکایی در کتاب "فرقان الحق" (The True Furqan) اشاره کرد که در فضای مجازی با عنوان "مثلت توحید" نیز شناخته می‌شود.

نقد کامل کتاب مورد نظر این نوشتار نبوده بلکه نویسندگان ضمن یک روش توصیفی-تحلیلی، به دنبال پاسخ به سؤالات زیر بوده‌اند:

- هندسه‌ی معرفتی مصنفان فرقان الحق چیست و چه تأثیری بر نگارش این کتاب داشته است؟
- بر مبانی نظری نویسنده یا نویسندگان فرقان الحق چه نقدهایی وارد است؟

پیشینه تحقیق

این کتاب توسط اندیشمندان مسلمان مورد نقد قرار گرفته و کتاب‌ها و مقالاتی در بیان ضعف‌های آن نوشته شده است که از جمله آنها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- مجله "الفرقان الكويتية" (۲۰۰۴م) با عنوان "آیات شیطانية جديدة تسمى الفرقان الحق توزع في الكويت" گزارشی از محتوای این کتاب ارائه کرده است.

- مقالاتی در مجله مصری "الاسبوع" توسط مصطفی بکری و نشریهی فلسطینی "الوسط" توسط آمال شحاده، که در سال (۲۰۰۴م) به چاپ رسیده است.

- "الاتصار للقران" دکتر صلاح الخالدي، کتابی است که سال (۲۰۰۵م) در اردن به چاپ رسیده است.

در ایران نیز کارهای زیر تاکنون صورت گرفته است:

- مقاله با عنوان نقد کتاب "الفرقان الحق" با تأکید بر وجوه اعجاز قرآن از فرزانه روحانی مشهدی که در ۱۳۹۲ش منتشر شده است.

- مقاله‌ی تحلیل انتقادی "الفرقان الحق" در حوزه وحی‌انیت و جامعیت در معارضه با قرآن، که در آن محمدهادی امین‌ناجی و همکاران، به نقد و بررسی ادعاهای این کتاب در حوزه وحی‌انیت و جامعیت پرداخته است.

محمد صادقی تهرانی نیز رساله‌ای را تحت عنوان "حق الفرقان رداً علی الفرقان الحق" در بیان وجوه ضعف این کتاب به رشته تحریر در آورده است.

معرفی اجمالی فرقان الحق

"فرقان الحق" بنا بر ادعای نویسندگان آن پاسخی بر تحدی قرآن است در ۷۷ سوره‌واره (بخش) به اضافه یک مقدمه و یک خاتمه، با تقلید از سبک و سیاق قرآن و با استفاده از کلمات و آیات، ترکیب عبارات، حذف، جابجایی و تغییر کلمات و مفاهیم و تقدیم و تأخیر عبارات آن، متناسب با تعالیم اهل کتاب و خصوصاً الهیات مسیحی، با رسم الخط قرآنی تدوین شده و به همراه ترجمه انگلیسی به چاپ رسیده است. این کتاب در مقدمه، ضمن ادعای تطابق با فطرت، جهان عرب و امت اسلامی را مخاطب قرار داده و آنها را به پاسخگویی به ندای فطرت و ایمان به انجیل دعوت کرده است.

نویسنده‌ی کتاب ترجیح داده نام اصلی خود را فاش نکند، اما او را "انیس شورش" کشیش آمریکایی فلسطینی الاصل و مترجم کتاب را همسر آمریکایی‌اش دانسته‌اند که برای ترکیب و تدوین آن ده سال تلاش کرده‌اند. (الخالدی، ۲۰۰۵: ۹)

در مقدمه با عنوان "البسمله" و جایگزینی عبارت "بسم الاب الکلمة الروح الاله الواحد الاوحد" به جای "بسم الله الرحمن الرحيم" عملاً به تبلیغ تعالیم مسیحی پرداخته و با اقتباس از سیاق قرآن، آن را تا پایان کتاب ادامه داده است؛ بسیاری از اسامی سوره‌واره‌ها مانند فاتحه، قدر، انبیا، مومنین، نساء و طلاق از اسامی سوره‌های قرآن اقتباس شده و توسط مؤلفان، وضع شده است. تمرکز طراحان این کتاب در هر بخش بیشتر بر یک شبهه بوده است مثلاً بخش "النساء" به شبهات زنان و بخش "المحرّضین" بر نفی جهاد متمرکز شده است.

مبانی نظری معارضان در فرقان الحق

معارضه‌ی فرقان الحق با انگیزه‌ی خدشه بر جاودانگی و اعجاز قرآن و در راستای پاسخ به تحدی صورت گرفته از طرف این کتاب، در چند محور قابل بررسی است:

القاء شخصی بودن دین اسلام

فرقان الحق به پیروی از آنچه برخی از مستشرقان بیان کرده‌اند (زمانی، ۱۳۷۸: ۲۴۷) دین اسلام را "دین محمد" معرفی کرده است، نتیجه طبیعی چنین امری آن است که آنچه محمد(ص) به عنوان دین الهی آورده ارتباطی به خداوند ندارد، او ذهنیات خویش را با دانسته‌های گذشته‌اش که از منابع مختلف بدست آورده و معجونی را به عنوان دین الهی اسلام عرضه کرده و آنچه را که با دستن خود نگاشته برای بدست آوردن بهایی اندک، به خدا نسبت داده است. (بخش ۱۶/فک) این سخن، تکرار تهمت برخی مستشرقان چون بلاشر و افبول است و شاید بتوان آن را غیر منصفانه‌ترین نظریه در رابطه با پیامبر(ص) و رسالت او بشمار آورد. (عبدالحمیدی، ۱۳۹۴: ۱۴۳)

هجمه به پیامبر(ص)

طراحان فرقان الحق در این زمینه به عملیاتی روانی با عنوان "مغالطه حمله به شخص یا Ad Hominem" متوسل شده‌اند. در این مغالطه، به جای ارزیابی و بررسی استدلال‌ها، به فرد ارائه کننده، حمله شده و شخصیت او مورد تخطئه و تضعیف قرار می‌گیرد بر این اساس گفته شده است: «قَتَلَ الرَّسُولَ بَدْلًا مِّنْ تَفْنِيدِ الرَّسَالَةِ»^۱. (مصطفی عادل، ۲۰۰۷: ۶۹)

یکی از ارکان این مغالطه، "مسموم کردن چاه، تسمیم البئر یا Poisoning the Well" می‌باشد و در آن یک یا چند صفت منفی بیان شده و به شخص استدلال کننده ربط داده می‌شود، تا مخاطبان متأثر شده و ادعاهای استدلال کننده رد شود. (همان، ص ۸۳)

مصنفان فرقان الحق بر اساس این مغالطه و با هدف تحت الشعاع قرار دادن رسالت و دعوت پیامبر(ص) و نفی آن، با نسبت دادن اوصاف ناروا شخصیت ایشان(ص) را به غیر منصفانه‌ترین شکل، مورد حمله و انتقاد قرار داده‌اند. (بخش الحق/ ۱؛ بخش انبیاء/ ۱۸؛ بخش حواریین/ ۱۱؛ بخش انبیاء/ ۱۸؛ بخش حکم/ ۱۴)

آنچه در ادامه ذکر خواهد شد نمونه‌هایی از این تخریب شخصیتی است:

نویسندگان فرقان الحق، پیامبر(ص) را به سبب دستور به جهاد با یهود، متهم می‌دانند و در صدد القاء این شبهه هستند که کسی که به قتل مؤمنان(یهود) دستور داده خلاف مشیت مرسل رفتار کرده است پس او نمی‌تواند پیامبر باشد: "انما يطیع الرسول بمشيئته و اما من قتل الاحياء من عبادنا المومنين بأمر الشيطان و ما أحيى الموتى ياذننا فأنى يكون رسولاً مطيعاً" (بخش مسیح/ ۱۴)

در واقع محمد(ص) متهم است که در مقابل ستمگران و کسانی که آنها را از خانه و کاشانه رانده‌اند(سوره بقره/ ۱۹۱-۱۹۰) و یا آنکه عهد و پیمان خود را نقض کرده و به مسلمانان خیانت کرده‌اند،(نک: سوره ی حشر) دستور جهاد داده است.

فرقان الحق، با لحنی تهکم‌آمیز پیامبر(ص) را "أمی" خوانده است، منظور فرقان الحق از "أمی" و "أمیین" کسانی هستند که انجیل را باور ندارند. (بخش ثالوث/ ۲۶)

در بخش "الإفک" نیز مجدداً پیامبر(ص) را "أمی" خطاب کرده که شیطان بر او مسلط شده و او را فریفته است، او نیز قوم خود را فریب داده و گمراه کرده است. (بخش إفک/ ۳)

استفاده از لفظ "أمی" توسط مصنفان فرقان الحق به جهت القاء جهل و نادانی پیامبر(ص) بارها در کتاب تکرار شده است: "و علم الأمیین أمی کافر فزادهم جهلاً و کفراً". (بخش شهادة/ ۴)

توجه به این نکته ضروری است که خداوند نیز پیامبر(ص) را «أمی» خوانده است^۲ اما آنچه او اراده کرده توسط مؤلفان فرقان الحق مورد تحریف معنوی قرار گرفته است، معروف‌ترین نظریه در بین مفسران مسلمان آن است که ایشان درس نخوانده، یعنی به همان حالتی که از مادر متولد شده، باقی مانده و استاد یا مکتب ندیده است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۶: ۳۹۷) نکته سنجیده آن است که امی بودن برای پیامبر(ص) بر خلاف

۱- کشتن پیام آور به جای پاسخ استدلالی به نامه‌ی وی.

۲- این واژه در سوره اعراف/ ۱۵۸-۱۵۷ برای توصیف پیامبر(ص) استفاده شده است، همچنین در آیه‌ی "وَمَا كُنْتَ تَتْلُو مِنْ قَبْلِهِ مِنْ كِتَابٍ وَلَا تَخِطُ بِيَمِينِكَ إِذًا لِأَنَّكَ لَأَنْتَ الْبَطُولُونَ" (سوره عنکبوت/ ۴۸) به مفهوم آن اشاره شده است.

سایر انسان‌ها، نقص محسوب نمی‌شود بلکه می‌توان آن را نوعی کمال نیز به حساب آورد زیرا معلم او خداوند بوده است. (ابن عاشور، ۱۴۲۰، ج ۸: ۳۱۴؛ الصادق الطهرانی، ۱۴۱۹: ۱۷۰)

این کتاب پیامبر(ص) را متهم می‌کند که بدون علم بر خدا دروغ بسته تا بندگان او را گمراه کند. (بخش مارقین/۹) بنابراین دعوت پیامبر(ص) را از طرف خداوند نمی‌داند و ایشان را مبعوث از طرف او نمی‌شناسد: "و أنه بلّغکم ما لم یبلّغ" (بخش قدر/۸) او چیزی را برای شما بیان کرد که ما ابلاغ نکرده‌ایم.

در ادامه‌ی تخریب‌های فرقان الحق در حق پیامبر(ص) ادعای برابری وی با خدا را مطرح کرده و به ایشان(ص) نسبت داده که خود را کفو و برابر خداوند و شریک او قرار داده است: "یا ایها الذین کفروا من عبادنا: لقد قام منکم من أقام نفسه کفواً لنا و طفق یوهم الناس بأنه مختارنا و شریکنا." (بخش طاغوت/۱)

اشتباه اساسی مصنفان کتاب آن است که به علت عدم درک رابطه طولی بین اطاعت از خداوند و اطاعت از رسول که در آیه ۸۰ سوره نساء "مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ" بدان اشاره شده تصور کرده‌اند پیامبر(ص) خود را با خداوند برابر دانسته است.

این مطلب از بخش ۵۴ قابل فهم است، جایی که گفته‌اند: "... و هو یشرک نفسه بنا قائلًا: «من یطعنی فقد اطاع الله» و هذا هو الشرک المبین" (بخش اضحی/۲)؛ که عبارت "من یطعنی فقد اطاع الله" اخذ شده از حدیث نبوی "مَنْ أَطَاعَنِي فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ" (البخاری، ۱۴۲۲، ج ۹: ۶۱) است.

ترفند تخریب شخصیت پیامبر اسلام(ص) بوسیله انواع سب، تهمت، دروغ و... به طور چشمگیری در سرتاسر فرقان الحق به کار گرفته شده است تا نفرت و دشمنی که جهان مسیحیت در قرن‌های متمادی نسبت محمد(ص) گسترش داده(صمیمی، ۱۳۸۲، ص ۴۷۷) را ادامه دهد و پروژه‌ی "محووند سازی" را تکمیل نماید تا بتواند رسالت الهی آن حضرت را انکار کند.

نفی خاتمیت

در هندسه‌ی فکری سازندگان فرقان الحق، اصولاً پیامبر(ص) رسول الهی محسوب نمی‌شود که برای وی خاتمیت، قابل تصور باشد به همین دلیل عقیده‌ی "خاتم النبیین" بودن محمد(ص) را جعلی و پندار مسلمانان دانسته با وضع بخشی با عنوان "الخاتم" در روند نفی خاتمیت تلاش کرده‌اند: "شیطان بر سخن کفرآمیزی در قلب‌های شما مهر تأیید نهاد و گمان بریدید که او [محمد] ختم کننده‌ی پیامبری است." (بخش خاتم/۷)

در همین راستا در مورد بعثت پیامبری بعد از عیسی(ع) نیز هشدار داده و گفته است: "اگر از بین شما کسی برخاست و خود را با عیسی و پیامبران راستگو برابر دانست پس مرده زنده نکرد و کور ماردزاد و پیسی را شفا نداد و معجزه‌ای با اجازه‌ی ما نیاورد پس بدانید که ما به او اجازه نداده‌ایم و او از پیامبران نیست." (بخش مسیح/۱۳)

در این قسمت با یک ترفند عامه پسند، شرط نبوت را داشتن معجزه‌ی حسی بیان کرده است و از طرف دیگر پیامبر بعد از عیسی(ع) را خودخوانده و غیر مشروع دانسته است.

۱- محوند: اهریمن مجسم یا پیامبر دروغین؛ حربه‌ای که غرب مسیحی با مشاهده پیشرفت‌های اسلام در قرون وسطی، برای مقابله با پیامبر اسلام در پیش گرفت، سرسختانه آن را تبلیغ کرد و در اروپا گسترش داد. (صمیمی، ۱۳۸۲: ۴۷۷)

مسلم آن است که به پیامبر(ص) معجزات حسی مانند شق القمر(ابن کثیر، بی تا: ۲۵)، شفای مریض(همان: ۱۹۸)، خبر دادن از گمشده(البیهقی، ۱۴۰۸، ج ۴: ۵۹)، زیاد کردن آب چشمه با وضو(همان، ج ۵، ص ۲۳۶) و موارد بسیار دیگر عطا شده بود که شرح و بسط آنها را در بدایه و نهایه ابن کثیر و دلائل النبوة بیهقی می توان مشاهده کرد اما علاوه بر معجزات حسی ایشان(ص) مجهز به معجزه‌ی بسیار با عظمت تری به نام قرآن بوده است که پس از گذشت ۱۴۰۰ سال نویسندگان فرقان الحق را بر آن داشته تا جهت خدشه بر حقانیت آن دست به تلاش و تکاپو بزنند، در مورد بشارت بر آمدن آخرین پیامبر نیز شواهد کافی در نزد اهل کتاب موجود بوده هر چند دست تحریف، بسیاری از آن شواهد را دگرگون کرده است؛ مجموعه‌ای از این قرائن را محمد صادقی تهرانی در «بشارات عهدین» جمع آوری کرده است.

فرقان الحق با این بیان به تصور باطل خود، هم رسالت محمد(ص) را نفی کرده و هم او را از زمهری پیامبران الهی، طرد نموده است.

نفی و حیانت قرآن

یکی از مبانی فرقان الحق، اثبات بطلان نبوت پیامبر(ص) و نفی و حیانت قرآن است، و بخش "الحق" بدین منظور و برای تبلیغ "محمدیسم" اختصاص یافته است: "ای مردم اگر رسول یا پیامبر یا فرشته‌ای از آسمان آمد و چیزی جز آنچه ما می‌گوییم ارائه کرد به او گوش فرا ندهید و از او اطاعت نکنید که او از دین خارج شده و کافر و شیطان گنهگار است." (بخش حق/۹) در این بخش اشاره‌ای نیز به افسانه‌های غرائب شده و نزول وحی آسمانی با مکر شیطان را تأیید کرده است.(همان/۲)

ادعای فرقان الحق آن است که شیطان برخی از آیات را به عنوان محکمت در قرآن داخل کرده تا بوسیله آنها مسلمانان را به پیروی از متشابهات بکشاند.(بخش التوحید/۱۲)

بر این اساس محکمت که از شیطان هستند، متشابهات نیز از شیطان هستند در نتیجه قرآن چیزی جز وحی شیطان نیست.(الخالدی، ۲۰۰۵: ۹۷)

در ایراد بر آیه "فَلَمْ يَتَّقُوا اللَّهَ قَتَلُواهُمُ وَ لَكِنَّ اللَّهَ قَتَلَهُمْ وَ مَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَ لَكِنَّ اللَّهَ رَمَى" (سوره انفال/۱۷) این شما نبودید که آنها را کشتید؛ بلکه خداوند آنها را کشت! و این تو نبودی (ای پیامبر که خاک و سنگ به صورت آنها) انداختی، بلکه خدا انداخت؛ مصنفان فرقان الحق گفته‌اند این سخن، قول کفر و وحی شیطان است و در توجیه آن چنین عنوان کرده‌اند: خداوند پندگانش را خلق نمی‌کند تا آنها را به قتل برساند! (بخش توبه/۳)

نویسندگان فرقان الحق بین مفاهیم جهاد و قتل، خلط کرده‌اند در حالی که بین این دو تفاوت ماهیتی وجود دارد؛ جهاد، گونه‌ای خاص از تلاش است به معنای مبارزه کردن در راه خدا با جان، مال و دارایی خود در نبرد با کافران و باغیان که با هدف دفاع از اسلام و یا گسترش و برپا داشتن شاعر آن صورت می‌گیرد.(التجفی الجواهری، ۱۳۶۲، ج ۲: ۳) بخش عمده‌ای از آیات جهاد در قرآن کریم، به جهاد دفاعی اختصاص دارد که از سال اول هجری نازل شده و به مسلمانان اجازه داده است در برابر هجوم مشرکان به دفاع از خود بپردازند.(الطبرسی، ۱۳۷۲، ج ۷: ۱۳۸) آیه‌ی مورد استناد فرقان الحق، چنانکه مفسران گفته‌اند در صدد بیان

۱- دیدگاه برخی از مستشرقان درباره اسلام برای القای این مطلب که دین اسلام مذهبی محمدی است و منشأ وحیانی ندارد

بلکه دینی بشری و کتاب او نیز تدوین بشری دارد. (غلامی، محمدیاری، ۱۳۹۵: ۳۷)

کمک و یاری خداوند در جنگ بدر به پیامبر(ص) و مؤمنان است تا کسی تصور نکند استیصال کفار و غلبه بر ایشان امری عادی و طبیعی بوده است. (الطباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۹: ۳۸)
مصنفان فرقان الحق عاقدانه آیات قرآن را تبلیغ کننده‌ی این تفکر معرفی کرده‌اند که خداوند بندگان را با انگیزه کشتن آنها خلق کرده است.

در بخش دیگری از این کتاب با عنوان "الغرانیق"، به بازخوانی افسانه غرانیق پرداخته و ادعای پیامبر(ص) مبنی بر دریافت وحی را مردود دانسته است. (بخش غرانیق/۱۵) افسانه‌ای که دانشمندان مسلمان، خود آن را باور نداشته‌اند. (طنطاوی، ۱۹۹۷، ج ۱۴: ۹۰) بر اساس این افسانه، شیطان در نزول آیات سوره ی نجم دخل و تصرف کرده و عبارات "تلك الغرانیق العلی و ان شفاعتهن لترتجی" که دلالت بر تعظیم بت‌های مشرکان دارد را در آن درج نموده است. (عاملی، ۱۴۲۶، ج ۳: ۲۶۲) سید جعفر مرتضی عاملی پس از نقد و بررسی سند و دلالت و بیان وجوه ضعف این افسانه، آن را ساخته‌ی مسلمان شدگان از اهل کتاب می‌داند که بنا به مصالح و اهداف خود اسرائیلیات را در منابع اسلامی داخل کردند تا بدین وسیله در عصمت پیامبر(ص) از یک طرف و در حقانیت قرآن از طرف دیگر تشکیک ایجاد نمایند. (همان، ص ۲۶۴)

فرقان الحق بخش‌های ۲۴ تا ۲۷ خود را با عناوین "النساء" و "الزواج" و "الطلاق" و "الزنی" به مباحث مرتبط با زنان اختصاص داده و در آنها چکیده‌ای از عقاید مسیحی قرون وسطایی را در قالب شبهات مربوط به زنان ارائه کرده است: کالا محسوب شدن زنان از نظر قرآن، شیطانی بودن تعدد زوجات، بی ارزشی زن به دلیل قومیت مرد، ضرب زنان، نصف بودن ارث، ناپاکی زنان، طلاق، پوشش زنان و انتقاد از مجازات مرتکب اعمال جنسی از این موارد است. (بخش نساء/۱۶-۱)

بیان کونگ در ذکر دیدگاه‌های قرون وسطایی نسبت به زنان مسیحی (کونگ، ۱۳۸۹: ۵۳ به بعد) نشان می‌دهد فرقان الحق، آنها در تقابل با احکام قرآنی زنان، مطرح کرده است.

فرقان الحق با سرقت آیات "و قال الذین کفروا ان هَذَا اِلَّا اِفْکٌ اِفْتَرَاهُ وَاَعَانَهُ عَلَيْهِ قَوْمٌ اٰخَرُونَ فَقَدْ جَاءُو ظُلْمًا وَ زُورًا * وَاَقَالُوا اَسْطِیْرَ الْاَوَّلِیْنَ اِکْتَتَبَهَا فَمِی تُمْلٰی عَلَیْهِ بُکْرَةٌ وَاَصِیْلًا" (سوره فرقان آیات ۴ و ۵) و ترکیب آنها در عبارتی ساختگی، گفته‌ی مشرکان صدر اسلام را تکرار کرده است: "و قام منکم من انتحل الاساطیر الاولین اکتتبتها واملیت علیه بکره و اصیلا و هی افک افتراه و اعانه علیه قوم اخرون" (بخش اساطیر/۲)، قرآن افسانه‌ی پیشینیان است که بر پیامبر املاء شده و او آنها را نوشته است، دیگران نیز او بر این کار یاری کرده‌اند.

بر اساس تعلیمات فرقان الحق، محمد(ص) پیامبری خودخوانده است و آنچه او به عنوان وحی بر مردم خوانده چیزی جز القائات و آیات شیطانی نبوده است. (بخش تنزیل/۲)

انکار الهی بودن قرآن و نفی و حیانت آن بخشی از پروژه‌ی قسیس شوروش و همدستانش برای معارضه با قرآن است تا، زمینه‌ی إعراض مسلمانان از کتاب آسمانی خویش را فراهم آوردند.

اشتمال قرآن بر نادرستی

بر اساس این مبنا، طراحان فرقان الحق هجمه‌ی گسترده‌ای را در راستای الغاء در حجیت تعالیم قرآن کریم برنامهریزی کرده‌اند که موارد زیر از آن جمله‌اند:

الغاء در هدایت‌گری قرآن

فرقان الحق از اولین بخش خود که "الفاتحه" نامیده شده، اتهام زنی به مسلمانان و انتقاد از آنان را آغاز کرده و این شیوه را تا پایان کتاب حفظ نموده است، این اتهامات که به گونه‌ای در بردارنده‌ی وهن مسلمانان است معمولاً آغازگر هر بخش (chapter) قرار داده شده است.

جهاد مسلمانان را معادل "قتل" و "انتقام جویی" قرار داده و بر اساس رسالت ساختگی خود برای دعوت به صلح و محبت، جهاد را معارضه با مشیت خداوند و مسلمانان "اعداء السّلم" معرفی کرده است. (بخش سلام/۱۰،۱۳)

فرقان الحق برای طعن در عقاید مسلمین بهشت وعده داده شده به آنها را جایگاه فسق و فجور معرفی کرده و آن را با بهشت رومیان مقایسه نموده است که در آن انواع تمتعات دنیوی از خوردن و آشامیدن و لباس و مسکن و میل جنسی و شراب و اباحی‌گری و فساد جایز بوده است؛ و مشارکت مسلمانان در جهاد صرفاً برای رسیدن به این بهشت بوده است. (بخش روح/۲؛ بخش حواریین/۴؛ بخش ضالین/۳)

قصد فرقان الحق آن است که عامل اصلی گرفتاری مسلمانان امروز را قرآن معرفی کند، با این ادعا که قرآن "غل" و "حقد" و "انواع آلودگی‌های اخلاقی" را سینه مردم مسلمان کاشته و آنها را به افرادی کینه‌توز، گناهکار و انسان‌گریز تبدیل کرده است، پس رسالت خود را در دعوت آنان به توبه و بازگشت از اسلام و إعراض از قرآن قرار داده تا درهای بهشت را به روی آنان بگشاید!

ادعای نادرستی گزاره‌های قرآنی

فرقان الحق همان گونه که انواع تهمت‌ها را به پیروان اسلام و پیامبر(ص) روا داشته خود قرآن را نیز متصف به اوصافی کذب نموده و در جهت تخریب آن و تشویش اذهان خوانندگان، آن را "قول إفک" (بخش فاتحه/۶) معرفی کرده است. در بخش فاتحه این کتاب آمده است: "و هنگامی که مؤمنین از بندگان ما (اهل کتاب) گفتند که آنها فرزندان و دوستان ما هستند پس کفر نورزیده و به خود ستم نکردند چرا که بندگان ما فرزندان ما هستند." (بخش فاتحه/۱۰)

این فراز، آیاتی از قرآن کریم را هدف قرار داده که در آنها ادعاهای اهل کتاب مبنی بر فرزند و دوست خدا بودن را رد کرده و مورد انتقاد قرار داده است. در واقع قرآن بدین دلیل متهم است که دروغ‌های اهل کتاب را آشکار ساخته و آنان را رسوا نموده است پس آنها بر خود لازم دیده‌اند با توسل به هر وسیله، چهره آن را مخدوش کنند، قرآن می‌فرماید: "وَقَالَتِ الْيَهُودُ وَالنَّصَارَى نَحْنُ أَبْنَاءُ اللَّهِ وَأَحِبَّاؤُهُ قُلْ فَلِمَ يُعَذِّبُكُمْ بِذُنُوبِكُمْ بَلْ أَنْتُمْ بَشَرٌ مِّمَّنْ خَلَقَ" (سوره مائده/ ۱۸)

از نظر آنان حکم قرآنی تعدد زوجات، که در تقابل با حکم مسیحی تک‌همسری است، غیر معتبر است سپس با نادرست جلوه دادن حکم قرآن به تک همسری دعوت می‌کند. (بخش توحید/۴)

در نقد این سخن باید گفت: تعدد زوجات در اسلام با ضوابط خاص مجاز دانسته شده، (سوره نساء/۱۲۹) و این حکم در آیین یهود نیز رواج داشته است. مسیحیان که در آغاز پیرو شرایع توراتی بودند به این حکم عمل می‌کردند اما در قرون وسطی با رویگردانی از احکام یهود، به تک همسری روی آوردند. (هولم؛ بوکر، ۱۳۸۴: ۷۵)

فرقان الحق بدون توجه به این واقعیت تاریخی، به حکم تعدد زوجات در قرآن تاخته و حکم مسیحی انجیل متی، مبنی بر عدم جواز چند همسری را تأیید کرده است.

فرقان الحق گزارش قرآن در مورد مصلوب شدن مسیح (سوره نساء/ ۱۴۷) را نیز نادرست دانسته و با قلب و تحریف آیه‌ی قرآن گفته است: "إِنَّمَا صَلَبُوا الْمَسِيحَ عِيسَى بْنِ مَرْيَمَ جَسَداً بَشَرًا سَوِيًّا وَ قَتَلُوهُ يَقِينًا." (بخش صلب/ ۱) سپس عقیده‌ی مشهور مسیحیان را مطرح می‌کند که عیسی پس از مرگ، زنده شده به آسمان رفت و دوباره باز خواهد گشت: "همه جسدها پس از مرگ در زمین خواهد ماند جز جسد عیسی که به آسمان رفت و باز خواهد گشت و فدایی و خلاص برای جهانیان خواهد بود." (همان)

نویسندگان فرقان الحق در حلیت غنیمت جنگی مورد تأیید قرآن نیز تشکیک کرده آن را معادل سرقت و چپاول دانسته‌اند: "لَقَدْ قَتَلَ مَنْ غَزَا وَ سَرَقَ مَنْ عَنِمَ" (بخش صلاح/ ۶) سپس به قرآن تاخته که چگونه حرام را حلال کرده و مجوز غصب لقمه مساکین را صادر کرده است.

گزاره‌ی دیگری که فرقان الحق تلاش کرده آن را نادرست جلوه دهد بشارت آمدن پیامبری بعد از حضرت عیسی (ع) است که در قرآن بدان اشاره شده است: "وَإِذْ قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ التَّوْرَةِ وَمُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنَ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدٌ" (سوره صف/ ۶)

فرقان الحق در تقابل با این بشارت، آمدن رسولی پس از عیسی (ع) را انکار کرده است (بخش انبیاء/ ۱۶) تا با این ترفند خبر قرآن را کذب وانمود کند.

این کتاب اظهار نموده اگر قرار بود پیامبری بعد از عیسی مبعوث شود باید به زبان بنی اسرائیل ارسال می‌شد، چگونه ممکن است خداوند رسولی را بر قومی بفرستد که از خودشان نباشد؟ این سخن از چند جهت ضعیف است:

اولاً: بشارت حضرت عیسی (ع) به آمدن پیامبری بعد از خودش است نه پیامبری از بنی اسرائیل. ثانیاً: هیچ دلیلی وجود ندارد که اثبات کند بنا بر این بوده که پیامبر بشارت داده شده، مبعوث بر بنی اسرائیل باشد.

ثالثاً: شواهدی وجود دارد که ثابت می‌کند پیامبر موعود از بنی اسرائیل نبوده بلکه از نسل اسماعیل (ع) بوده است. (زمانی، ۱۳۸۷: ۴۷۸)

ادعای وجود تعارض در قرآن

فرقان الحق مفاهیم قرآنی چون نسخ را به تعارض و تحویل، تأویل کرده و آن را در راستای اثبات ناسازگاری در قرآن مورد بهره‌برداری قرار داده است و مدعی شده است قرآن از طرف خداوند نازل نشده چرا که اگر از طرف او نازل شده بود در آن تعارض و نسخ و تحویل دیده نمی‌شد. (بخش توحید/ ۱۴-۱۳)

یکی از موارد تعارض از نظر این کتاب چنین بیان شده که مسلمانان ادعای ایمان به مسیح و کتاب او را مطرح می‌کنند اما در تعارضی آشکار می‌گویند: هر کس از آیین ما پیروی نکند از او پذیرفته نیست. (بخش المسیح/ ۲۲)

توضیح این که از اصول اساسی دین اسلام، ایمان به پیامبران الهی و کتب آسمانی است (سوره بقره/ ۱۳۶) بدین معناست که هر یک از شرایع مذکور در زمان خود حقانیت داشته (ابن کثیر، ۱۴۱۹، ج ۴: ۷۲) پس ایمان به

شرايع آسمانی قبل چنانکه مفسران گفته‌اند به معنی لزوم متابعت از آنان در دوران‌های بعد نیست. (الطبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱: ۴۰۵)

لقاء شك در تعاليم قرآن

فرقان الحق در مواضع مختلف، "اهل الذکر" مذکور در آیهی "فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ" (سوره نحل/ ۴۳) را نصاری معرفی کرده (بخش وحی/۳) و مسلمانان را به علت عدم مراجعه به اهل کتاب در برطرف کردن شك و تردیدهای خود، مورد سرزنش قرار داده است. (بخش انجیل/۴؛ بخش تحریف/۱) این همان شبهه‌ای است که قسیسانی چون یوسف درّه حداد در کتب خود مطرح نموده‌اند، (زمانی، ۱۳۸۷: ۱۶۰) بر این اساس پیامبر(ص) در تعالیم خود شك داشته و برای رفع تردید به علمای اهل کتاب مراجعه می‌کرده است. (همان، ۱۵۳)

هر چند اکثریت قاطع مفسران اهل سنت، "اهل الذکر" را مطلق اهل کتاب می‌دانند (القاسمی، ۱۴۱۸، ج ۶: ۳۷۵) اما با توجه به توصیفات قرآن کریم از آنها مانند کتمان، سد راه حق، تحریف‌گری، خیانت و ... نمی‌توان مرجعیت اهل کتاب را در تفسیر قرآن و رفع شك و تردید مسلمانان پذیرفت. این مطلب در صورتی صحیح است که از اهل کتاب به عنوان کسانی که وعده‌ی بعثت پیامبر(ص) در کتاب‌های آسمانی‌شان ثبت شده بر صدق دعوی پیامبر(ص) طلب شهادت شود، نه این که اهل کتاب مرجع رفع ابهام برای پیامبر(ص) و مسلمانان باشند.

دفاع همه جانبه از مسیحیت

چنانکه از مقدمه و بخش‌های مختلف فرقان الحق دریافت می‌شود یکی از رسالت‌های این کتاب، دفاع از تعالیم کلیسای مسیحی و دفاع از انجیل کنونی است و این تلاش در قالب‌های زیر ارائه شده است:

دفاع از انجیل

ادعای فرقان الحق آن است که همه مردم کافرند و با اموات تفاوتی ندارند، تا زمانی که به انجیل و تعالیم آن ایمان نیاورند، این انجیل است که زنده‌کننده و حیات‌بخش همه‌ی انسان‌هاست. (بخش سلام/۸) به منظور تثبیت این نظر تعالیم اساسی مسیحی چون دعوت به صلح، مصلوب شدن عیسی، مرگ فدی‌ه‌وار مسیح، تثلیث، حرمت طلاق، نفی اسماء الحسنی و ... به شدت پر رنگ شده و مورد دفاع قرار گرفته است. پرهیز از جنگ و عدم ایستادگی در مقابل متجاوز با ترفند دعوت به صلح و اثرگذارتر بودن محبت نسبت به خشونت، نیز توسط فرقان الحق ارائه گردیده است. (بخش سلام/۱۳-۶-۴؛ بخش ایمان/۶) و به دنبال آن شبهه‌ی مشهور گسترش اسلام با زور و شمشیر را مطرح شده است. (بخش صلاح/۲-۱؛ بخش اولیاء/۵) مرگ فدی‌ه‌وار مسیح نیز از جمله آموزه‌های الهیات مسیحی است که در فرقان الحق دفاع و تبلیغ شده است: "و ما با کشته شدن مسیح او را فدی‌ه‌ی بندگان خود قرار دادیم." (بخش التوحید/۱۴) بر اساس این عقیده که با عقل نیز در تعارض است (سبحانی، ۱۳۸۷، ص ۳۹۴) بشر حامل گناه نخستین آدم و حوا است، خداوند برای از بین بردن دشمنی بین خود و انسان که به واسطه‌ی این گناه رخ داد فرزند خود را فرستاد تا قربانی شود و مسیحیان نجات یابند. (انجیل متی، عبرانیان ۱۴/۹؛ همان، قرتیان ۱۵/۴: ۱۵)

مبنای دیگری از الهیات مسیحی که در فرقان الحق به شدت از آن دفاع شده است، تثلیث (Trinity) است. تثلیث در اصطلاح، خدا را سه دانستن است. مسیحیان بر این باورند که پدر، پسر و روح القدس هر یک خدایند و به رغم تمایز، سه خدا نیستند و در عین حال، صرفاً سه نام نیستند که هر یک در شرایط متفاوت بر خداوند اطلاق شده باشد، همچنانکه هر یک از این سه، جنبه و جزئی از خداوند به شمار نمی‌آیند. (الطوسی، بی تا، ج ۳: ۲۰۶)

از آنجا که استدلالی عقلانی بر اثبات تثلیث وجود ندارد مسیحیان با بیان فرا عقلی بودن مسئله از توضیح آن شانه خالی می‌کنند و صرفاً ایمان قلبی به آن را کفایت‌کننده می‌دانند. (سبحانی، ۱۳۸۷: ۳۹۴)

فرقان الحق در مواضعی که از تثلیث یاد کرده به شدت بر مسلمانان منکر تثلیث تاخته است. (بخش ثالث/ ۱۰-)

(۲)

این مجادله در رفتار نصاری صدر اسلام نیز قابل مشاهده است؛ روایت شده هنگامی که مسیحیان نجران نزد پیامبر (ص) آمدند، با استناد به "إنا" و "نحن" مذکور در آیات قرآن، ادعا کردند ما بر اساس همین آیات به تثلیث باور داریم چرا که شما نیز برای خداوند ضمیر جمع استفاده می‌کنید؟ فخر رازی توضیح می‌دهد که "إنا" و "نحن" از متشابهات است و از آن معانی مختلف اراده می‌شود، در اینجا منظور واحدی نیست که با هم جنس یا غیر هم جنس همراه شده باشد، بلکه واحدی است که می‌تواند جای دیگری را که با او ذکر شده‌اند را بگیرد زیرا اسامی متنوعی دارد که هر یک به تنهایی توانایی دارند بر مسمی اطلاق شوند پس منظور از "إنا" و "نحن" جمع بودن خداوند و شریک داشتن وی نیست. (قاسمی، ۱۴۱۸، ج ۲: ۲۸۵)

اشتباه نویسندگان فرقان الحق در بحث اسماء و صفات آن است که توحید صفاتی و عینیت ذات و صفات را درک نکرده‌اند (فیض کاشانی، ۱۴۱۸، ج ۱: ۹۶) پس قائل شدن اسماء و صفات برای خداوند را مستلزم مرکب دانستن او دانسته‌اند. (همان/ ۱۴۰ و ۱۴۱)

لازم به تذکر است که در عهد جدید به اسماء و صفات الهی نیز پرداخته شده است که از آن جمله می‌توان به مالک (اعمال، ۱۷: ۲۴)، حلیم (اول پطرس، ۳: ۲۰)، غیور مهیب (عبرانیان، ۱۰: ۲۷)، رحیم (رومیان، ۱: ۳۱) اشاره کرد اما از همه آنها مهم تر «پدر» است. (رحیمی؛ همامی، ۱۳۹۷، صص ۲۱۸-۲۱۷)،

از تعالیم دیگر مسیحیت که فرقان الحق بدان پرداخته حرمت طلاق است، طلاق در انجیل حرام شمرده شده مگر زمانی که زنی به مردش خیانت کرده باشد، بیوگان نیز مجاز به ازدواج دوباره نیستند. بنابراین در شریعت مسیح، ازدواج یک عقد غیر قابل انحلال است و طلاق در آن اجازه داده نشده است. (انجیل متی ۹/۱۹؛ کونگ، ۱۳۸۹: ۲۰)

فرقان الحق در تأیید این حکم انجیلی گفته است: "وقد وصینا عبادنا بأن لا یقربوا الزنی أو الطلاق" (بخش الطهر/ ۹) سپس از حکم قرآنی طلاق را با عنوان فساد یاد کرده و گفته است: شما از فساد اخلاقی نهی می‌کنید اما عملاً آن را مرتکب می‌شوید. (همان/ ۱۳)

در بخش "العطاء"، فرقان الحق به مقابله میان تعلیم انجیلی دفع بدی با خوبی و قصاص قرآنی دست زده (بخش العطاء/ ۱) و به یادآوری آنچه انجیل (انجیل متی، ۳۸/۵) بدان توصیه کرده پرداخته است: اگر بر گونه چپ شما سیلی زدند گونه راست خود را هم در اختیار آنها بگذارید؛ اگر قصد بردن لباس شما را کردند آن را برای غارت‌گران وا گذارید؛ اگر یک میل شما را مسخره کردند، دو میل با آنها همراه شوید؛ اگر از شما چیزی خواستند به آنها بدهید و سائل را رد نکنید. (بخش عطاء/ ۵-۲)

آنچه فرقان الحق آورده متن انجیل لوقا و متی است (انجیل متی، ۴۲-۵:۳۸؛ انجیل لوقا/ ۳-۲۹: ۶) که با ذکر آن، حکم قصاص قرآنی (سوره بقره/ ۱۷۹) را مورد انتقاد قرار داده و در تقابل با قرآن آن را مایه‌ی هلاک معرفی کرده است. (بخش مهتدین/ ۷)

بر خلاف نظریات انجیلی صاحبان فرقان الحق، وضع حکم قصاص در اسلام به دلیل تأمین حیات و امنیت اجتماعی است، و جنبه‌ی شخصی و انتقام جویانه ندارد (سید قطب، ۱۴۲۵، ج ۱: ۱۶۵) و اسلام در راه حل جبران آسیب، افراط یهود (سفر لاویان، ۲۱-۱۷: ۲۴) و تفریط مسیحیان، (انجیل متی، ۴۷-۴۳: ۵) را نپذیرفته بلکه راه میانه‌ای را که مشتمل بر قصاص، عفو یا دیه است را پیشنهاد داده است.

البته حکم قصاص در اصل به یهود تعلق داشته و مورد عمل مسیحیان نیز بوده است چرا که مخاطب اولیه در آیه قصاص " وَ كَتَبْنَا عَلَيْهِمْ فِيهَا أَنَّ النَّفْسَ بِالنَّفْسِ وَالْعَيْنَ بِالْعَيْنِ وَالْأَنْفَ بِالْأَنْفِ وَالْأُذُنَ بِالْأُذُنِ وَالسِّنَّ بِالسِّنِّ وَالْجُرُوحَ قِصَاصًا " (مانده/ ۴۵) یهود از اهل کتاب می‌باشند (ابن کثیر، ۱۴۱۹، ج ۴: ۱۱۴) پس قاعدتاً این حکم در مسیحیت نیز وجود داشته است چرا از عیسی (ع) نقل شده است: " گمان میرید که آمده‌ام تا تورات و نوشته‌های پیامبران را نسخ کنم؛ نیامده‌ام تا آنها را نسخ کنم، بلکه آمده‌ام تا تحقیقشان بخشم. " (انجیل متی، ۱۷: ۵)

پس آیین مسیحیت در احکام خود به آیین موسی نظر داشته است، شاهد این که در انجیل متی احکامی مانند مجازات قتل و حکم نگاه به نامحرم آمده که نشان می‌دهد از شریعت یهود اخذ شده‌اند. (ناس، ۱۳۵۴: ۳۹۹) قرآن کریم با وجود این که تأکید کرده است بدی را با نیکی پاسخ دهید (سوره مومنون/ ۹۶) اما اجازه زورگویی به ظالمان نمی‌دهد و آنها را بر انجام اعمال مجرمانه گستاخ نمی‌سازد، پس این عفو و گذشت، نافی اصل مقابله به مثل که در شوری/ ۴۰، بقره/ ۱۹۴ و نحل/ ۱۲۶ ذکر شده، نیست. (الطوسی، بی تا، ج ۹: ۱۶۹)

- فرقان الحق در بخش‌های "الصیام" و "الصلوة"، نیز هجمه‌ای به فروع دین به عنوان پایه‌های شریعت داشته و روزی واقعی را نگه داشتن قلب و چشم و دست از فحشاء و منکر دانسته بدون این که جزئیات عملی آن ضرورتی داشته باشد (بخش صیام/ ۹)

نماز را نیز رفتاری ریاکارانه و تکراری لغو مانند عبادت بت‌ها معرفی کرده و به عدم ضرورت آن حکم نموده چرا خداوند قبل از درخواست انسان‌ها، خواسته‌هایشان را می‌داند سپس در مغالطه‌ای آشکار ادعا می‌کند که نیکی بدون نماز بهتر از نماز همراه با گناه است. (بخش صلوة/ ۱۰-۵؛ بخش انبیاء/ ۹)

در بخش "الطاغوت" نیز فریضه قرآنی خمس نفی شده است: " ما را در گروهی که بندگانمان را می‌کشند و اموالشان را سرقت می‌کنند شریک کردند و برای ما یک پنجم از غنائمی را که جنگجویان عاصی بدست می‌آورند، واجب کردند. (بخش طاغوت/ ۹)

در بخش "أضحی" نیز سنت قربانی را به "ریختن خون چهارپایان"، توصیف کرده و آن را از نشانه‌های ضلالت شمرده است، اما قربانی واقعی را پاکی قلب عنوان کرده است. (بخش اضحی/ ۸-۷)

به این ترتیب یکی از عناصر اعتقادی مسیحیت که نفی شریعت (ویور، ۱۳۸۱: ۹۸) است، مورد تأیید و تصدیق نویسندگان فرقان الحق قرار گرفته است.

پایه‌ریزی این تفکر را به پولس رسول نسبت می‌دهند او عقیده داشت حقیقت مسیح در باطن انسان‌ها جاری است و او را به سر منزل رستگاری هدایت می‌کند بطوری که روح آزاد کارهای پسندیده انجام می‌دهد و از بدی‌ها پرهیز می‌کند پس ضرورت ندارد دائماً به دستورهای رسمی و قوانین دینی رجوع کند و حلال و حرام را از روی

آنها تشخیص دهد، پس باید بندهای پوسیده شریعت موسی را رها کرد و بدنبال آزادی روح بود. پولس پس از آن به صراحت اعلام کرد عمل ختان و رجوع ندارد و رعایت حلال و حرام در خوردنی ها و نوشیدنی ها لازم نیست و افراد بشری را نباید به نجس و طاهر تقسیم کرد. (ناس، ۱۳۵۴: ۴۱۲)

یکی دیگر از مبانی اعتقادی مسیحیت روحانیت بهشت و عدم جسمانیت در آن است (بخش جن۱/۱) فیلسوفان اهل کتاب نعمت‌های بهشت را روحانی می‌دانند و عقیده دارند در بهشت خوردن و نوشیدن و لباس و ازدواج وجود ندارد و بر این اساس، خبر قرآن در چنین مواردی را انکار می‌کنند و دروغ می‌پندارند. (ابن تیمیه: ۱۷)

ادعای عدم نسخ آیین مسیح

نسخ از نظر شرعی رفع امر ثابت شریعت بواسطه پایان یافتن زمان آن است (الخویی، ۱۴۳۰: ۲۷۶)، نویسندگان فرقان الحق با مفهوم نسخ به شدت مخالفت می‌کنند و این مخالفت را از اسلاف اهل کتاب خود اخذ کرده‌اند از نظر آنان وقوع نسخ، عقلاً و نقلاً ممتنع است. (ابن کثیر، ۱۴۱۹، ج ۱: ۲۶۱) اگر آنها به پذیرش نسخ تن در دهند لزوماً باید نسخ ادیان خود را نیز بپذیرند پس با تمام تلاش در جهت انحراف اذهان از این حقیقت کوشیده‌اند تا نسخ را جهل خداوند معرفی کرده و آن را از ساحت الهی دور قلمداد کنند. اهمیت این مسئله برای آنان تا حدی بوده که بخشی ۴۵ را به عنوان "النسخ" اختصاص داده‌اند و در آن ادعا کرده‌اند مسلمانان گناه خطا و فراموشی خود را به گردن خداوند می‌اندازند در حالی که خداوند خطا نمی‌کند تا نسخ لازم آید و فراموش نمی‌کند تا تذکر لازم شود و کاری را به تأخیر نمی‌اندازد تا به اصلاح کردن آن نیاز باشد. (بخش النسخ/۱) سپس ادعای عدم نسخ آیین مسیح را مطرح کرده‌اند: بعد از مسیح هیچ پیامبری نیست و بعد از انجیل هیچ کتابی نازل نشده و بعد از نصرانیت به عنوان دین حق هیچ دینی تا روز قیامت عرضه نشده است. (بخش المسیح/۲۴؛ بخش الانبیاء/۱۶)

عدم تحریف انجیل

فرقان الحق در بخش ۱۴ با عنوان "حواریین" از حفظ انجیل و عدم تحریف آن سخن گفته و وعده‌ی حفظ قرآن در سوره آیه ۹ سوره حجر "إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ" را به انجیل مربوط کرده است: "و حفظوا الانجیل الحق فی الصدور سنین عدداً ثم دونه نفر منهم بأعیننا و إنا له لحافظون" (بخش حواریین/۲) بدین منظور، سازندگان فرقان الحق بخش ۴۹ کتاب خود را با عنوان "الانجیل" به محکم کردن این نظر اختصاص داده‌اند.

آنها مسلمانان را تحریف‌کنندگان انجیل معرفی کرده (بخش کافرین/۹) اما از مشخص کردن موارد تحریف که توسط مسلمانان صورت گرفته در مانده‌اند.

فرقان الحق، امکان تحریف انجیل توسط مسیحیان را ممتنع دانسته و ادعا کرده است تحریف انجیل شبهه‌ای است که عارض کفار (مسلمانان) شده است. (بخش کافرین/۷)

این کتاب، با اقتباس از جلودانگی قرآن ادعا کرده است که بر انجیل پس از تدوین، نه نقص و زیادت‌ی عارض شده و نه نسخ و تبدیلی در آن راه یافته است.

لازم به یادآوری است که مسیحیان نمی‌گویند عیسی کتابی به نام انجیل آورده بلکه خود او را وحی مجسم می‌دانند به همین جهت به دنبال انجیلی که عیسی آن را نوشته یا به یاران خود املاء کرده نبوده‌اند، محققان کتاب مقدس می‌گویند تدوین انجیل بعد از سال ۶۰ میلادی صورت گرفت (مایکل، ۱۳۸۱: ۵۰) و از میان انجیل‌های

متعددی که افراد نوشته بودند جامعه مسیحی سرانجام پذیرفت ۲۷ انجیل با الهام الهی نگارش یافته است که انجیل چهارگانه نیز جزء آنها بودند، در سال ۱۵۴۶ میلادی شورای تِرنِت بطور رسمی انجیل‌های متی، مرقس، لوقا و یوحنا را به عنوان انجیل مقدس برگزید. (همان: ۵۱)

با وجود این اعترافات، فرقان الحق ادعا کرده که انجیل کنونی، وحی الهی است و دچار هیچ تحریفی نشده و نخواهد شد!

نتیجه‌گیری

فرقان الحق بخشی از یک بسته‌ی ضد فرهنگی است که در بازه‌ی زمانی حدوداً ۱۰ ساله از ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۹ میلادی، تهاجمات سنگینی را علیه اسلام، قرآن و شخص پیامبر اسلام (ص) صورت داده است. هدف معارضان در این کتاب، الغاء حجیت قرآن با وارد کردن خدشه بر اعجاز و نفی جاودانگی آن بوده که مانند روح در تمامی بخش‌های ۷۷ گانه آن حضور دارد تا قرآن را در حد یک فرآورده‌ی بشری تقلیل دهد و با ارجاع به شرایط فرهنگی جزیره العرب در قرن ششم و ویژگی‌های شخصی پیامبر (ص) مانند امی بودن، آن را مشتمل بر تناقض و تعارض معرفی نماید.

بررسی نویسندگان این مقاله نشان می‌دهد شوروش و همدستان وی تمامی ایرادات مطرح شده بر قرآن توسط احبار و رهبان اهل کتاب و مستشرقان چون بی‌دقتی، اشتباه، نقص و ملال‌آوری، عدم پیوستگی و ... (نک: لیمن، ۲۰۰۶: ۳۶۸) را به عنوان الگویی در طراحی فرقان الحق مورد استفاده قرار داده‌اند. و در مقابل بر آموزه‌های اساسی الهیات مسیحی مانند خدا، وحی، تثلیث، گناه، کفار، تجسد، نجات، عیسی، معاد و ... تأکید شده است. در مجموع می‌توان گفت: فرقان الحق اسقاط حجیت قرآن را در محورهایی چون الفاء شخصی بودن دین اسلام، هجمه به پیامبر (ص)، اشتغال قرآن بر نادرستی و دفاع از مسیحیت تحریف شده دنبال کرده و بازگشت به مسیحیت و إعراض از قرآن را راه هدایت و نجات معرفی کرده است.

کتابنامه

قرآن کریم

ابن عاشور، محمدطاهر، ۱۴۲۰ هـ تفسیر التحرير و التنوير المعروف بتفسیر ابن عاشور، لبنان - بیروت، مؤسسه التاريخ العربی.

ابن کثیر، أبو الفداء إسماعیل بن عمر، بی‌تا، معجزات النبی - صلی الله علیه وسلم - من کتاب البداية والنهاية لابن کثیر، تحقیق: السید إبراهيم أمين محمد، المكتبة التوفيقية.

.....، ۱۴۱۹ هـ تفسیر القرآن العظيم، لبنان - بیروت، دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون.

ابن‌ابی‌حاتم، ۱۴۱۹ هـ تفسیر القرآن العظيم، ریاض، مکتبه نزار مصطفی الباز.

انجیل عیسی مسیح، بی‌تا، ترجمه هزاره ی نو، بی‌جا.

البخاری، ۱۴۲۲ هـ صحیح البخاری، محمد بن إسماعیل أبو عبدالله البخاری الجعفی، المحقق: محمد زهیر بن ناصر الناصر، دار طوق النجاة.

البيهقي، أبو بكر، ١٤٠٨ هـ - ١٩٨٨ م، **دلائل النبوة**، المحقق: د. عبد المعطي قلعجي، دار الكتب العلمية، دار الريان للتراث.

تورات، ١٣٦٤ ش، ترجمه: ماشاء الله رحمان پور؛ خاخم مشه زرگری، تهران، انجمن كليمان.
الخالدي، صلاح عبد الفتاح، ٢٠٠٥ م، **الانتصار للقرآن: تهافت «فرقان» متنبىء لامريكان أمام حقائق القرآن**، عمان - اردن، مؤسسة الفرسان.

الخوئي، السيد أبو القاسم الموسوي، ١٤٣٠ هـ **البيان في تفسير القرآن**، قم، مؤسسة احياء آثار الامام الخويي.
- الزركشي، بدرالدين، ١٣٧٦ هـ - ١٩٥٧ م، **البرهان في علوم القرآن**، المحقق: محمد أبو الفضل إبراهيم، دار احياء الكتب العربية.

سبحاني، جعفر، ١٣٨٧ هـ **دانشنامه كلام اسلامي**، قم، موسسه امام صادق (ع).
صادقي تهراني، محمد، ١٤١٩ هـ **البلاغ**، ايران - قم، مكتبة محمد الصادقي الطهراني.
صميمي، مينو، ١٣٨٢ ش، **محمد در اروپا**، ترجمه: عباس مهريويا، تهران - ايران، اطلاعات.

الطباطبائي، محمد حسين، ١٣٩٠ هـ **الميزان في تفسير القرآن**، لبنان - بيروت، مؤسسة الأعلمي للمطبوعات.
طبرسي، فضل بن حسن، ١٣٧٢ ش، **مجمع البيان في تفسير القرآن**، تهران، ناصر خسرو.
طبري، محمد بن جرير، ١٤١٢ هـ **جامع البيان في تفسير القرآن**، بيروت، دار المعرفة.

الطوسي، محمد بن حسن، بي تا، **التبيان في تفسير القرآن**، بيروت، دار احياء التراث العربي.
عاملي، سيد جعفر مرتضى، ١٤٢٦ ق، **الصحيح من سيرة النبي الأعظم**، قم، دار الحديث.

عبدالمحمدي، حسين، ١٣٩٤ ش، **مستشرقان و پیامبر اعظم**، قم، نشر المصطفى.
فيض كاشاني، محمد بن شاه مرتضى، ١٤١٨ هـ **علم اليقين**، قم، انتشارات بيدار.
توماس، ميشل، **كلام مسيحي**، ١٣٨١ ش، ترجمه: حسين توفيقى، قم، مركز مطالعات و تحقيقات اديان و مذاهب.

قطب، سيد، ١٤٢٥ هـ **في ظلال القرآن**، لبنان - بيروت، دار الشروق.
كونگ، هانس، ١٣٨٩ ش، **زن در مسيحييت**، ترجمه: طيبه مقدم؛ حميد بخشنده، قم، دانشگاه اديان و مذاهب.
ليمن، اليور، ٢٠٠٦ م، **دايرة المعارف قرآن**، لندن - نيويورك، گروه تيلور و فرانسيس.

مصطفى، عادل، ٢٠٠٧ م، **المغالطات المنطقية**، قاهره، مجلس الاعلى للثقافة.
قاسمي، جمال الدين، ١٤١٨ هـ **تفسير القاسمي المسمى بحماسة التأويل**، دار الكتب العلمية، لبنان - بيروت، منشورات محمد علي بيضون.

معرفت، محمد هادي، ١٤٢٨ هـ **التمهيد في علوم القرآن**، قم، موسسه التمهيد.
مكارم شيرازي، ناصر، ١٣٧١ ش، **تفسير نمونه**، تهران، دارالكتب الإسلامية.
ناس، جان باير، ١٣٥٤ ش، **تاريخ جامع اديان**، تصحيح: حكمت، علي اصغر، تهران، انتشارات پيروز.

النجفي الجواهري، الشيخ محمد حسن، بي تا، **جواهر الكلام**، محقق: قوچاني، عباس، دار احياء التراث.
ويور، مري جو ، ١٣٨١ ش، **درآمدی به مسيحييت**، ترجمه: حسن قنبري، قم، مركز مطالعات و تحقيقات اديان و مذاهب.

رحیمی، محمد رضا؛ همای، عباس، ۱۳۹۷ش، «تثلیث در عهد جدید و نگاه قرآن در این زمینه»، فصلنامه مطالعات قرآنی، سال ۹، شماره ۳۵، صص ۲۰۹-۲۴۵

غلامی، عبدالله؛ محمدیاری، مریم، ۱۳۹۵ش، «دفاع از قرآن در برابر کاربرد اصطلاح محمدیسم»، مجله قرآن پژوهی خاورشناسان (قرآن و مستشرقان) - شماره ۲۱، دوره ۱۱

The Holy Quran

Ibn Ashour, Muhammad Tahir, Tafsir al-Tahrir wa al-Tanwir, Institute of Arabic History, Lebanon – Beirut, 1420 AH.

Ibn Kathir, Abu al-Fida 'Ismail Ibn Umar, Miracles of the Prophet, research: Sayyid Ibrahim Amin Muhammad, Al-Muftaba Al-Tawfiqiya.

Ibn Kathir, Abu al-Fida 'Ismail Ibn Umar, Tafsir Al-Quran Al-Azeem, Beirut, Dar Al-Kitab Al-Alamiya, Publications of Muhammad Ali bayzon, 1419 AH.

Ibn Abi Hatim, Abdul Rahman Ibn Muhammad, Tafsir Al-Quran Al-Azeem, Saudi Arabia - Riyadh, Nizar Mustafa Al-Baz Library, 1419 AH.

The Gospel of Jesus Christ, New Millennium Translation, misplaced.

Al-Bukhari, Sahih Al-Bukhari, Muhammad ibn Isma'il, researcher: Muhammad Zuhair ibn Nasser al-Nasser, Dar Tawq al-Najat, 1422 AH.

Al-Bayhaqi, Abu Bakr, Proofs of Prophethood, Researcher: d. Abd al-Muati Qalaji, Dar al-Kitab al-Alamiya, Dar al-Rayyan for inheritance, 1408 AH - 1988 AD.

Torah, translation: Mashaallah Rahmanpour; Rabbi Mash Zargari, Tehran, Iranian Jewish Association, 1364 SH.

Al-Khalidi, Salah Abdel-Fattah, Victory for the Qur'an: Digesting the "Furqan" in front of the Realities of the Qur'an, Amman-Jordan, Al-Fursan Foundation, 2005.

Al-Khoei, Sayyid Abu al-Qasim al-Musawi, Al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an, Qom, The Imam al-Khoei Revival Foundation. 1430 AH.

- Al-Zarkashi, Badr al-Din, al-Burhān fi ulūm al-Qur'ān, the investigator: Muhammad Abu al-Fadl Ibrahim, House of Revival of Arab Books, 1376 AH.

Subhani, Jaafar, the Islamic scholastic theology, Qom, founded by Imam Sadiq (peace be upon him), 1387 AH.

Sadiqi Tehrani, Muhammad, Al-Balagh on Interpretation of the Qur'an with the Qur'an, Iran - Qom, Muhammad al-Sadiqi al-Tahrani Library, 1419 AH.

S Samimi, Minoo, Mohammad (PBUH) in Europe, translated by Abbas Mehrpooya, Tehran-Iran, Etilaat, 1382 AS.

Al-Tabataba'i, Muhammad Hussein, Tafsir al-Mizan, Lebanon - Beirut, Al-A'lami Foundation for Publications, 1390 AH.

Tabarsi, Fadl Ibn Hassan, Majma' al-Bayan, Tehran, Nasser Khosrow, 1372 AS.

Tabari, Muhammad ibn Jarir, Jāmi' al-bayān 'an ta'wīl āy al-Qur'ān, Lebanon - Beirut, Dar al-Ma'rifah, 1412 AH.

Al-Tusi, Muhammad ibn Hassan, Al-Tibbyan Fi Tafsir al-Quran, Lebanon - Beirut, Dar Al-Ihyaa Al-Tarath Al-Arabi.

Ameli, Sayyid Ja'far Murtadha, Al-Sahih Men Sirat Al-Nabi Al-Azam, Qom, Dar al-Hadith, 1426 AH-1385 AS.

Abdul Mohammadi, Hussein, Orientalists and the Great Prophet, Qom-Iran, Mustafa Translation and Publishing Center, 1394 AS.

- Faiz Kashani, Mohammad Ibn Shah Morteza, Elm-ol Yaghin, researcher: Mohsen Bidarfar, Qom, Bidar Publications, 1418 AH.
- Thomas, Michel, Christian Theology, translated by Hossein Tawfiqi, Qom, Center for the Study and Research of Religions and Beliefs, 1381 AS.
- Qutb, Sayyid, in the shadow of the Qur'an, Beirut, Dar al-Shorouq, 1425 AH.
- Kung, Hans, Woman in Christianity, translated by Tayebeh Moghaddam; Hamid Bakhshandeh, Qom, University of Religions and Religions, 1389 AS.
- Lyman, Oliver, Encyclopedia of the Qur'an, London-New York, Taylor & Francis Group, 2006.
- Mustafa, Adel, Logical Fallacies, Cairo, Supreme Council for Culture, 2007.
- Qasemi, Jamal al-Din, Tafsir al-Qasimi (Mahasin al-Tawwil), Dar al-Kitab al-Alamiya, Lebanon - Beirut, Publications of Muhammad Ali Baidun, 1418 AH.
- Ma'refat, Mohammad Hadi, Al-Tamheed Fi Uloom Al-Quran, Qom, Al-Tamheed Publishing Cultural Institute, 1428 AH.
- Makarem Shirazi, Nasser, Tafsir Nomoneh, Tehran, Islamic Library, 1371 AS.
- Nas, John Bayer, Comprehensive History of Religions, Edited by Ali Asghar Hekmat, Tehran, Pirooz Publications, 1354 AS.
- Al-Najafi Al-Jawahiri, Sheikh Muhammad Hassan, Jawahir Al-Kalam, Researcher: Quchani, Abbas, Dar Al-Ihya Al-Tarath.
- Weaver, Mary Joe, An Introduction to Christianity, translated by Hassan Ghanbari, Qom, Center for the Study and Research of Religions and Beliefs, 1381 AS.

Journals

- Rahimi, Mohammad Reza; Homami, Abbas, "Trinity in the New Testament and the view of the Qur'an in this regard", Quarterly Journal of Quranic Studies, Volume 9, Number 35, 1397 AS.
- Ghulami, Abdullah; Mohammadyari, Maryam, "Defending the Qur'an against the use of the term Muhammadism", Journal of Quranic Studies of Orientalists (Quran and Orientalists), No. 21, Vol 11, 2016.

COPYRIGHTS

© 2022 by the authors. Licensee Islamic Azad University Jiroft Branch. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>)

ارجاع: رجالی مجید، یوسفی محمد رضا، معصومی محمد حسن، بررسی معنای تضمین در قرآن با استفاده از روش نشانه‌شناسی پرس، فصلنامه مطالعات قرآنی، دوره ۱۳، شماره ۵۰، تابستان ۱۴۰۱، صفحات ۷۶-۵۹.